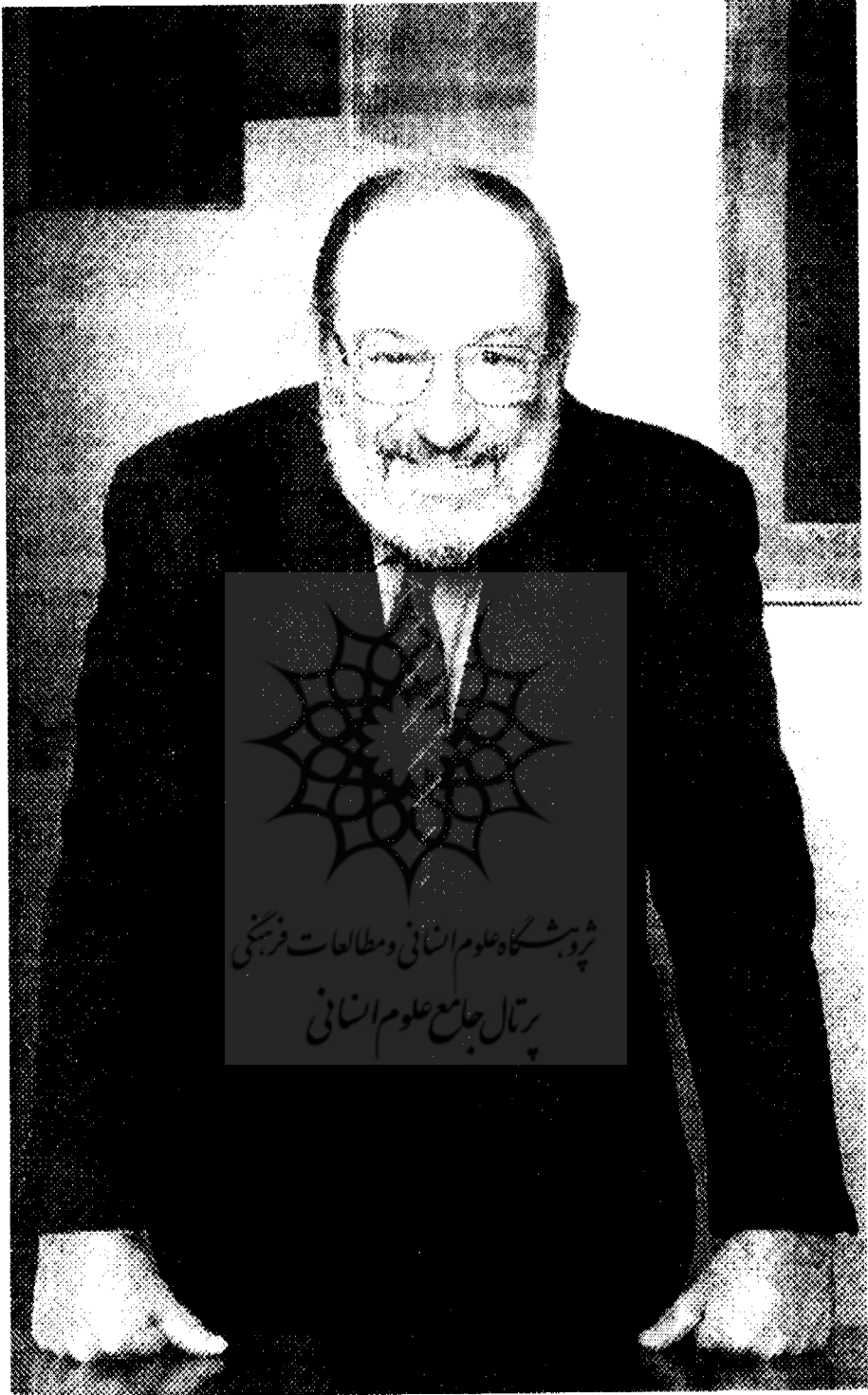


مایه تأسف بسیار است که مقامات ذی صلاح پخش مستقیم آخرین مراسم اعدام در ایالات متحده را ممنوع کردند. اصلاً خیلی بهتر بود که مراسم اعدام، ساعت ۱۲ به وقت ساحل شرقی انجام می شد تا بشود در نیویورک هنگام صرف ناهار، در Midwest بین صبحانه و ناهار و در کالیفرنیا ساعت ۹ حین صرف صبحانه در کنار استخر آن را تماشا کرد؛ که به وقت اینجا [ایتالیا] می شد ساعت ۶ غروب که می توانستند در طول اخبار ساعت ۲۰ تکرارش را برای کارگران پخش کنند.

نکته اساسی این است که هنگام پخش مراسم، مردم سر میز غذا باشند: صدای شکستن گردن محکوم به اعدام، رعشه عضلات شکمش، پاهایش که در هوا لگد می اندازند، همه و همه باید حین بلع غذا (البته منظورم در خانه های مردم است) اتفاق بیفتد. اگر اعدام با صندلی الکتریکی است، همان زمان که در خانه ها کره داغ در ماهیتابه جلازولز می کند، محکوم هم باید به عجز و ناله بیفتد. در مورد اتاق گاز، نمایش تضمین شده است چرا که احتمالاً از قبل به محکوم گفته اند که نفس عمیق بکشد چیزی که فی نفسه تلویزیونی است، و پس از آن است که محکوم دچار تکان های ناگهانی می شود. نحوه دیگر اعدام که اصلاً توصیه نمی شود، تزریق است. اصلاً دیگر اشتیاقی به تماشای مستقیم مراسم باقی نمی ماند. رد شوید! حرکت کنید! چیزی برای دیدن وجود ندارد،



شاید بهتر باشد مراسم را از رادیو پخش کنند.

می‌دانم که ممکن است پیشنهاد من چندان مورد پسند عام واقع نشود خصوصاً که درست همان زمانی است که دیزنی ایتالیا به تازگی از طراحانش خواسته که عمو پیسکو (عمو دونالد) را در حالتی نکشد که می‌خواهد دونالد را خفه کند چون ممکن است موجب تبلیغ خشونت شود.

حیف که بازار پر رونق فیلم‌های ویدئویی موجب شده است فیلم‌های بسیاری ساخته شود که در آنها مردم همدیگر را با سلاح‌های فضایی می‌کشند که جداره‌های مغزتان را فرش می‌کنند و دریایی از هموگلوبین به راه می‌اندازند.

به نظر من فیلم‌های قدیمی که در آن سرخ‌پوست‌ها و ژاپنی‌ها در دوردست‌ها می‌مردند و مثل سربازهای سربی به زمین می‌افتادند، موجب نمی‌شد که کسی با انگیزه به ارث بردن دو سه سفته یا یک پیتزافروشی به این فکر بیفتد که پدر و مادرش را سر ببرد. حتماً می‌گویید در آن زمان هم قتل‌های خونین وحشتناکی صورت می‌گرفت؛ حرفتان درست اما این قتل‌ها از روی تعصب بودند نه از روی تقلید.

می‌خواهم بگویم که باید بین بازی‌های تخیلی، که ممکن است برای افراد ساده و بی‌گناه مشکل‌آفرین باشند (و یا موجب شوند که از افراد ضعیف‌النفس رفتارهای ناب‌هنجاری سر بزنند)، و رسالت تشریح جزه به جزه حوادث تفاوت قائل شد. من مخالف این مرض هستم که تا کسی دیگری را خفه کرد، و تا وقتی که جرئت در دادگاه ثابت نشده است، آن را عنوان درشت روزنامه‌ها کنیم. اما اگر شخصی را می‌بینیم که آزاد می‌گردد و به دنبال آن است که بچه‌ای را بدزدد و سرش را ببرد، ضروریست که مردم را از این خطر آگاه کنیم و به‌خصوص بچه‌ها را به خوبی آموزش دهیم تا چشمانشان را خوب باز کنند و باید این کار را زود و به‌موقع بکنیم چرا که اگر زود نجنبیم، ممکن است دیگر امکان جبران نباشد.

در برخورد با مسئله اعدام، دنیا به دو گروه تقسیم می‌شود: کسانی که آن را محکوم می‌کنند (مثل خود من) و کسانی که ضرورت آن را تأیید می‌کنند.

مخالفان هنگام پخش مراسم اعدام، اگر دستگاه گوارشی حساسی دارند، می‌توانند تلویزیون را خاموش کنند. اما به هر حال در مراسم عزا شرکت می‌کنند. اگر در آن ساعت به‌خصوص آدمی را می‌کشند، لااقل باید در مراسم عزا شرکت کنند و برایش دعا کنند و یا با صدای بلند و در جمع خانواده پاسکال بخوانند. باید بدانند که در این شب، عمل شیعی صورت گرفته است. اگر مراسم را از تلویزیون می‌بینند، فقط به اعلام مخالفت با

آن اکتفا نخواهند کرد و بیشتر با محکوم‌کنندگان این عمل وحشیانه همراه خواهند شد. درست مثل این که یک کودک آفریقایی لاغر و استخوانی را از تلویزیون ببیند که مایه عذاب وجدان هر کسی می‌شود.

وانگهی گروهی هم طرفدار مجازات مرگ هستند. اینها باید مراسم را ببینند. می‌توانم اعتراضشان را حدس بزنم: «من مشروعیت عمل آپاندیس را تأیید می‌کنم اما محض رضای خدا از من نخواهید این عمل را موقع صرف دسر از تلویزیون تماشا کنم.» به هر جهت، اعدام عمل جراحی نیست که همه روی آن اتفاق نظر داشته باشند. چیزی که مطرح است، مفهوم و ارزش زندگی انسانی و مفهوم عدالت است. پس بی‌خود معرکه نگیرید.

اگر موافق اعدام هستید باید قبول کنید که محکوم را در حال دست و پا زدن، آروغ زدن، عجز و ناله کردن، لرزیدن، به رعشه افتادن و سرفه کردن ببینید و ببینید که روح پلیدش را به خداوند تسلیم می‌کند. قدیم‌ترها مردم شریف‌تر بودند. آنها برای شرکت در مراسم اعدام بلیت می‌خریدند و مثل دیوانه‌ها از دیدن مراسم کیف می‌کردند. شمایی که طرفدار این اشد مجازات هستید، شما هم باید «کیف کنید»: چه در حال غذا خوردن و نوشیدن باشید، چه حین انجام کاری که دوست دارید. اما هنگامی که مشروعیت آن را تأیید می‌کنید، نمی‌توانید طوری رفتار کنید که انگار اصلاً وجود ندارد.

حتماً می‌پرسید: «اگر زن من آبستن باشد و موقع تماشای مراسم، بر اثر شوک، یکهو سقط کند آن وقت چه؟» خب که چه؟ تعالیم جدید مسیحیت پذیرفته است که دولت حق دارد راجع به اعدام قانون وضع کند. همچنین می‌گوید که سقط جنین تنها در صورتی ممنوع است که آگاهانه و اختیاری باشد. بنابراین اگر هنگام تماشای محکوم به اعدام، که در حال دست و پا زدن در هواست سقط کنید، گناهی مرتکب نشده‌اید.